

Investing group communication within mosque (Case of Jame Safa Mosque, Tehran)

Ali Hajimisa Nafoti , Master's Degree, Culture and Communications Group, Imam Sadiq University, Tehran. (Corresponding Author) Email: hajimousa@isu.ac.ir.

Mohammad Reza Borzooei , Assistant Professor, Communications and Media Group, Imam Sadiq University, Tehran. Email: Borzooei@isu.ac.ir.

Meysam Farokhi , Associate Professor, Department of Communication and Cultural Studies, Refah Faculty, Tehran, Iran. Email: Farokhi@refah.ac.ir

Abstract

Introduction: Mosques have always played a significant role in Islamic societies, with group communication holding particular importance in these environments. Among all forms of communication, face-to-face communication stands out as one of the most effective and prevalent, especially within mosques. The ongoing presence of individuals during daily prayers facilitates this face-to-face interaction, fostering increased communication and social interaction among participants. Strengthening these interpersonal connections and guiding individuals can lead to more fruitful outcomes from these relationships. Accordingly, the present study was conducted to examine group communication within the context of Safa Mosque. The conceptual framework of this research is grounded in group dynamics, chosen due to its emphasis on interaction and communication within small, dense, and interdependent groups, as exemplified by the social fabric of Safa Mosque. The theory of group dynamics posits that individual behavior is significantly shaped by the characteristics of the group. In this context, teamwork refers to the systematic and purposeful collaboration of group members.

Method: This study adopts a qualitative research approach. It is cross-sectional in terms of timing, exploratory in nature, and applied in purpose. The study population consisted of all cultural and religious activists within the mosque. Using purposive sampling, semi-structured interviews were conducted with 20 individuals, including instructors, assistant instructors, and members of the advisory board. Interviews were continued until theoretical saturation was reached. Data were analyzed using thematic analysis. Through the coding and analysis of raw data, 355 open codes (the smallest meaningful units) were initially extracted. These were subsequently grouped into 109 basic concepts, which emerged from the synthesis of the open codes and provided structure and coherence to the findings. The validity of the data was ensured through methods such as expert review, citation triangulation, transferability checks, and participant validation.

Results: The findings indicate that group communication within Safa Mosque encompasses themes such as:

- Social regeneration and comprehensive empowerment,

- *Instructor-centered/trait-centered hierarchies,*
- *Network-based support,*
- *Collective good and operational rationality,*
- *Continuous performance evaluation,*
- *Role dynamics and diversity,*
- *Program outsourcing,*
- *Needs-based and specialized planning, and*
- *Interactive and integrated trainability.*

Due to the hierarchical and circle-based nature of these relationships-rooted in semantic frameworks of mentorship and discipleship (interpreted as instructor-centered/trait-centered hierarchies)-knowledge is transferred through multi-directional interactions. Social acceptance and learning are facilitated through established communication styles within defined groups and circles. Consequently, multilayered connections and affiliations have emerged, enabling the integration of individuals in terms of both function and density.

Discussion and Conclusion: This study contributes to the existing body of knowledge by offering a deeper exploration of group communication and revealing new dimensions of these interpersonal relationships. The results show that group communication in Safa Mosque is evolving towards a ritual-based communication model. These communications, while possessing top-down ritualistic aspects, are primarily rooted in organic ritual processes tied to the context of interaction.

Within the framework of the ritual approach at Safa Grand Mosque, communication transcends the mere transmission of religious content; it becomes a mechanism for community preservation over time and adaptation to contemporary developments. Therefore, communication within the mosque is not solely concerned with the spatial dissemination of religious teachings but also with the temporal continuity and cohesion of the community.

Due to the interdependent structure of the circles, they are not isolated units. Rather, their diverse needs and areas of specialization create interconnections that reinforce group unity. While each group has distinct roles and functions, a shared structural framework prevents fragmentation. In this setting, linear message transmission is not the focus. Instead, group communication is characterized by a collective effort to co-construct meaning, centered on themes such as sharing, participation, unity, fellowship, and shared belief. Emphasis is placed on internal communicative fulfillment, not on the instrumental use of communication for individual or group-centric objectives.

Keywords: Religious communication, Coach-oriented, Collective good and operational rationality, Group interactions, Jame Safa Mosque.

واکاوی ارتباطات گروهی در مسجد؛

(مورد مطالعه مسجد جامع صفا تهران)

علی حاجی موسی^۱، محمدرضا برزویی^۲، میثم فرخی^۳

چکیده

مساجد همواره نقش مهمی در جوامع اسلامی ایفا کرده‌اند و ارتباطات گروهی در این محیط‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. پژوهش پیش‌رو با هدف بررسی این ارتباطات در مسجد صفا انجام شده است. جامعه مورد مطالعه شامل تمامی فعالان فرهنگی مسجد بوده و نمونه‌گیری هدفمند می‌باشد. با ۲۰ نفر از مربیان، کمک‌مربیان و اعضای هیئت شورایی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام و مصاحبه‌ها بر اساس اشباع نظری متوقف شده‌اند. برای تحلیل و کدگذاری داده‌ها از تکنیک تحلیل مضمون استفاده شد. نتایج: یافته‌ها نشان می‌دهد ارتباطات گروهی در مسجد صفا شامل مضامینی مانند: بازآفرینی اجتماعی و توانمندسازی جامع، سلسله‌مراتب مربی‌محور/ خواص‌محور، حمایت شبکه‌محور، خیر جمعی و عقلانیت عملیاتی، ارزیابی عملکرد مستمر، پویایی و تنوع نقش‌ها، برون‌سپاری برنامه‌ها، برنامه‌ریزی نیازمحور و تخصصی و تربیت‌پذیری تعاملی و تلفیقی است. با توجه به ادبیات علمی موجود، نقش مساجد به عنوان نهادهای اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر زندگی افراد و جامعه مورد توجه بوده است. مطالعات پیشین ابعاد مختلفی از جمله تأثیر مساجد بر روابط اجتماعی، نقش تربیتی مساجد و کارکردهای ارتباطی آن‌ها را بررسی کرده‌اند. این تحقیق با بررسی عمیق‌تر ارتباطات گروهی، به این دانش موجود افزوده و ابعاد تازه‌ای از این روابط را آشکار می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ارتباطات گروهی در مسجد صفا به سمت نوعی ارتباطات آئینی حرکت می‌کند. این ارتباطات، پیش از اینکه ابعاد انتقالی و مناسکی از بالا به پایین داشته باشند، دارای ابعاد آئینی خاص خود هستند. در این وضعیت، ارتباطات گروهی در مسجد صفا نه تنها به گسترش پیام‌های دینی و معارف اسلامی می‌پردازند، بلکه بر حفظ جامعه در بعد زمان و تحولات روز نیز تمرکز دارند.

واژگان کلیدی

ارتباطات آئینی، مربی‌محوری، خیر جمعی و عقلانیت عملیاتی، ارتباطات گروهی، مسجد جامع صفا.

مقدمه

از دیرباز در جوامع اسلامی تمامی فعالیت‌ها با مسجد مرتبط بوده است. این امر مهم نشان‌دهنده جایگاه و اهمیت محوری مسجد در جامعه مسلمانان است. مسجد خیمه اصلی نظام اسلامی است، خیمه‌ای که تداوم ارزش‌های اسلامی جامعه را می‌توان در آن تضمین کرد. یکی از نقش‌های اصلی و اساسی مساجد آن است که علاوه بر اینکه زمینه عبادت خالصانه و پر حضور مردم را فراهم می‌نماید، با تعمیق و گسترش تعاملات مستمر و فرهنگ روابط چهره‌به‌چهره را بیشتر کرده و از این طریق به گسترش همگرایی و بسط روابط اجتماعی پایدار بین مسلمین کمک می‌کنند. نهادهای دینی می‌توانند به‌عنوان نهادهای واسطه برای ایجاد ارتباطات اجتماعی و توانمندسازی افراد عمل کنند. پژوهش حاضر، با تأکید بر این دیدگاه‌ها و با تمرکز بر پویایی‌های گروهی در مسجد صفا، به دنبال شناخت دقیق‌تر ارتباطات گروهی و نقش نهادهای مذهبی در شکل‌گیری و تقویت این ارتباطات است. جنکینز^۱ (۱۳۸۱) نیز استدلال می‌کند که مساجد به‌عنوان فضاهای مذهبی می‌توانند بر توانمندسازی اجتماعی و فرهنگی افراد تأثیر بگذارند و شرایطی را برای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی قوی فراهم کنند. این شرایط باعث می‌شود تا افراد در جامعه از حمایت‌ها و منابع مشترک بهره‌مند شوند و تعاملات اجتماعی مؤثرتر و پایدارتری داشته باشند؛ بنابراین، می‌توان گفت که نقش مساجد و نهادهای مذهبی در تقویت هویت جمعی و ارائه خدمات اجتماعی برجسته است. مساجد به‌عنوان مکان‌هایی برای تجمع، تبادل نظر و ایجاد روابط اجتماعی می‌توانند به تعمیق ارتباطات و افزایش همبستگی اجتماعی کمک کنند. از دیدگاه پاتنام^۲ (۲۰۰۰) و از این طریق فضاهای مذهبی مانند مساجد می‌توانند به عنوان مراکز تولید سرمایه اجتماعی عمل کنند که از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی و تقویت هویت‌های گروهی به توسعه پایدار اجتماعی کمک می‌کنند.

ما، آنچه محرز است این است که با حضور پیوسته در مساجد، ارتباطی فراتر از ارتباطات معمولی، میان مؤمنین رقم می‌خورد. ارتباطی که با هدایت آن، می‌توان ثمرات خوب و مثبتی از آن گرفت. ارتباط میان افراد مراتب گوناگونی دارد. البته برای مفهوم ارتباط هم تعاریف و توضیحات گوناگونی وارد شده است؛ اما تعریفی که از ارتباط، در این پژوهش مدنظر است، عبارت است از: «فراگرد انتقال پیام از سوی

فرستنده برای گیرنده مشروط بر آنکه در گیرنده پیام، مشابهت معنا با معنای مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود» (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۵۷). با توجه به این تعریف از ارتباط می‌توان بهتر و روشن‌تر مسئله ارتباطات گروهی در این پژوهش را مطرح کرد؛ ارتباط سازنده‌ای که بدون حاشیه بتواند رشد و سازندگی داشته باشد. این مسئله به حدی جایگاه پیدا کرده که برخی از روانشناسان، بُعد جدیدی در کنار ابعاد وجودی انسان در نظر گرفته‌اند که آن را بُعد تعامل یا همان ارتباط پویا و زنده با افراد دیگر نامیده‌اند. تشکیل این ارتباط و تعامل شاید در مقیاس با تعداد کم و محدود، خیلی دشوار نباشد و به خوبی ایجاد گردد؛ ولی ایجاد تعامل و ارتباط پویانده و سازنده در تعداد و مقیاس بالا، بسیار سخت و دشوار است. تا جایی که زمان با هم بودن این افراد هم اگر از حد معمول زیاده‌تر شود، مؤلفه‌ها و انگیزه‌های مشوق بسیاری لازم است تا بقای این ارتباط تضمین گردد.

بنابراین، یکی از مؤثرترین و بهترین نوع ارتباط در میان انواع گونه‌های ارتباطی، ارتباطات چهره به چهره است که شایع‌ترین نوع آن در مساجد به چشم می‌خورد. ارتباطات چهره به چهره‌ای که میان افراد مسجد با حضور مستمر، هنگام نمازها در طول روز رقم می‌خورد؛ عاملی جهت زیاد شدن ارتباط و تعامل میان آن‌هاست. با زیاد شدن ارتباط میان افراد و هدایت و رهبری آن، می‌توان خروجی‌های بهتری را از این روابط گرفت. مثلاً با تشکیل گروه میان این افراد، می‌توان ارتباط را رهبری و سازمان یافته‌تر دنبال کرد؛ اما محتوا و قالب این ارتباطات در طیف‌های سنی گوناگون، خود مسئله مهمی است که ارتباطات را از کلیشه‌های روزمره و تکراری، به امری معنابخش و هویت‌بخش تبدیل کرده که از طریق آن افراد می‌توانند برای خود افق‌های تعریف کنند که حیات‌بخش و انتظام‌بخش زندگی آن‌ها باشد.

افزون بر تعاملات معمول، در مساجد گروه‌بندی‌ها و تشکیل گروه به تناسب مؤلفه‌هایی است که برای خود مقرر می‌سازند. در این میان، زنده نگه داشتن ارتباطات میان اعضای گروه، به نحوی که در مسیر رشد و کمال بوده و به دور از هرگونه عارضه و مشکل به وجود بیاید، بسیار مهم است، زیرا این ارتباط و گروه‌ها با گذشت زمان با بی‌تفاوتی، دل‌زدگی، اهداف تکراری و نیز تضاد منافع گروه‌ها روبرو شده و در نتیجه منجر به کاهش کمی و کیفی اعضای آن‌ها می‌شود. یکی از مساجدی که در این زمینه بسیار خوب پیش رفته و توانسته سال‌های متمادی ویژگی‌های منحصر به فرد خود را حفظ کند، مسجد جامع صفا، واقع در منطقه هفت شهر تهران (جنب میدان امام

حسین علیه السلام) می باشد. مسجد جامع صفا با توجه به اثرگذاری بسیار بالا روی طیف نوجوان و جوان و همچنین، جذب حداکثری کمی و کیفی در سال های متمادی، نتایج کارآمدی را در این زمینه نشان داده است. این مسجد فعالیت خود را از سال ۱۳۶۸ در محله نظام آباد که از نظر قشر فرهنگی بسیار ضعیف بود، شروع و هم اکنون با داشتن بیش از هزار و پانصد نیروی فعال جوان و نوجوان فعال است که هر کدام به صورت مربی^۱ در حال آموزش و تربیت سایر نوجوانان و جوانان هستند. همچنین، مسجد جامع صفا تاکنون بیش از ۱۰۰ مربی فعال که هر کدام دارای مدارک تحصیلی دانشگاهی و حوزوی هستند را تربیت کرده و در گذر این سال ها آن ها را به افرادی پخته و با تجربه در امر تربیت تبدیل کرده است. در کنار این دو فعالیت، این مسجد، مدارس پیش دبستانی تا پیش دانشگاهی در واحد برادران و خواهران را هم تأسیس کرده است. مسجد جامع صفا، نیروهای نوجوان را جذب و با تشکیل گروه، مسیر تربیت آن ها را طی می کند و از جذب تا تربیت و رسیدن به سن مسئولیت آن ها، در قالب همین گروه ها برای آن ها برنامه دارد. هر گروه با داشتن یک مربی باتجربه و آگاه و چندین کمک مربی که هر کدام کمک کننده مربی برای پیشبرد بهتر گروه هستند، با هم و در کنار هم به صورت تیمی فعالیت های خود را پیش می برند.

بعد از سال ۱۳۸۵ با رشد کمی و کیفی نیروهای فعال و کارآمد؛ این مجموعه توانست که هر سال ۳ گروه تربیتی در طیف سنی سال هشتم آموزشی (دوره اول متوسطه) جذب نماید و ارتباط پویا و فعال میان آن ها رقم بزند. تا جایی که این ارتباط گروهی بعد از گذشت ده ها سال هنوز هم با همان اهداف، وابستگی ها و علاقه ها به مسیر خود ادامه می دهد. این مسجد در گروه های خود به سه بعد اصلی هر نوجوان (عقل، روح و جسم) می پردازد. برنامه های آموزشی، تحصیلی و پیگیری های درسی، در کنار مسائل اخلاقی و معنوی و نیز وجود باشگاه ورزشی و برنامه های پرتحرک، باعث جذب حداکثری نوجوانان و جوانان شده و با افزودن صمیمیت و همدلی فردی و جمعی، سختی های مسیر تربیت را کاهش داده است. به نظر می رسد آنچه در این استمرار و موفقیت نقش مهمی داشته است، وجود ارتباطات و تعاملات خاصی است که در این مسجد در لایه ها و سطوح مختلف ایجاد شده است. این ارتباطات فراتر از روابط فایده گرایانه و مبتنی بر نفع شخص هستند. افزون بر این، روابط شکل گرفته واجد آئین و اصول خاص خود هستند که امکان تفرد و انزوای برخی گروه ها از

۱. فردی که تحت نظر مربیان تربیت می شود و می تواند بعد از اتمام دوره ها درون یا بیرون از مسجد به فعالیت بپردازد.

گروه‌های دیگران به حداقل رسانده است و از این طریق مانع از شکل‌گیری قارچ‌گونه و بدون ارتباط با سایر گروه‌ها می‌شود. از این‌رو، با توجه به الگوی خاص ارتباطات گروهی در این مسجد، مطالعه حاضر درصدد است به این پرسش پاسخ بدهد که مؤلفه‌های ارتباطات گروهی در مسجد صفا کدامند؟

پیشینه پژوهش

به دلیل ویژگی‌های خاص این پژوهش از جمله تأکید بر ارتباطات گروهی در مسجد، کیفی و بسترمند بودن و همچنین فقدان مطالعات خارجی که مشابهت نزدیکی با پژوهش حاضر داشته باشند، از ارائه تحقیقات خارجی اجتناب کردیم.

جدول ۱. پیشینه تجربی پژوهش

پژوهشگر و عنوان	روش	یافته و نتیجه
فرخی (۱۴۰۲) واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی - ارتباطی مسجد در دهه سوم انقلاب اسلامی	کیفی	نتایج تحلیل سیاست‌های مرتبط با حوزه مسجد در این دهه نشان می‌دهد که در مورد برخی مسائل مورد بررسی مانند اختلاف‌های درونی مسجد، مسجد و ارتباطات سیاست مهمی تدوین و تصویب نشده است و پیرامون مسائل مذکور سیاست بارز و مشهودی در جمهوری اسلامی ایران اتخاذ نشده است.
قانع و همکاران (۱۴۰۱) ارزیابی طرح تربیتی حلقه‌های صالحین مساجد	کیفی	کمبود نیروی انسانی سرگروه، بی‌توجهی نهادینه‌شده به تربیت تشکیلاتی، مشکلات شغلی/معیشی سرگروه‌های حلقه‌های جوانان از چالش‌های حلقه‌های صالحین به شمار می‌روند.
میرسلامی و همکاران (۱۴۰۰) مطالعه روابط فضایی اجتماعی در الگوی مساجد چهارایوانی ایران	کیفی	نوع و ارتباط زنجیره‌ای از فضاها که در پیوستگی و هم‌نشینی ساختاری و بصری شکل می‌گیرند، به‌منظور استمرار سلسله‌مراتب دسترسی به بخش‌های مختلف بنا و داشتن ساختار منسجم و تقسیمات کارکردی فضا می‌توانند در گشایش یا محدودکردن روابط اجتماعی تأثیرگذار باشند.
فرخی و خلجی (۱۴۰۰) بررسی کارکردشناسی فرهنگی - ارتباطی مساجد دانشگاهی	کیفی	کارکردهای فرهنگی - ارتباطی مساجد عبارت‌اند از: آموزشی، روشنگری و تبیین، تبلیغی، فرهنگ‌سازی، خدمت‌رسانی، اطلاع‌رسانی، ارتباط با مخاطب و ارشادی.
بهزادی و جلیلی صدرآباد (۱۳۹۹) به بررسی جایگاه مساجد در میزان تعاملات اجتماعی میان ساکنان محله‌های شهری	کیفی	یافته‌های پژوهش نشان داد که میان حضور ساکنان محله در مساجد و همچنین تأثیری که مساجد بر تعاملات اجتماعی میان ساکنان می‌گذارند، ارتباط و همبستگی نسبتاً بالایی وجود دارد

پژوهشگر و عنوان	روش	یافته و نتیجه
لطفعلی زاده (۱۳۹۳) مسجد و ارتباطات گروهی با نوجوانان	کیفی	مساجد حاوی ساختار فرهنگی خاصی هستند که می‌توانند با ایجاد روابط متداخل و ایجاد مشارکت اجتماعی به بسط ارزش‌های اجتماعی بپردازند
آثاری (۱۳۹۴) مشخصه‌های ارتباطات گروهی در کانون فرهنگی رهپویان وصال شیراز	کیفی	مشخصه نهایی حاصل از تحلیل داده‌ها را باید «فروپاشی دائم مرزهای گروه کوچک در هیئت» نامید، بدین معنا که به دلیل ابهام در مرزهای هویتی گروه‌های کوچکی که در دل هیئت به وجود آمده‌اند، باید شاهد ظهور و انحلال دائمی این گروه‌ها، در کانون فرهنگی رهپویان وصال شیراز بود
طالبی (۱۳۹۳) ارتباطات گروهی و فرهنگ بسیجی در مساجد تهران	کیفی	تسری محوریت گروه و ارتباطات گروهی مسجدمحور در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان کشور، موجب کم‌شدن هزینه‌ها و در مقابل افزایش خروجی و بازدهی آموزشی و تربیتی خواهد شد. همچنین، سیاست‌گذاری فرهنگی بر اساس گروه محوری در حوزه تربیت، منطبق با احکام و دستورات اسلامی و محقق‌کننده منظور شارع مقدس است.

در خصوص جمع‌بندی و نقد تحقیقات پیشین می‌توان گفت مطالعه ارتباطات گروهی در مساجد کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. تحقیقات در این حوزه عمدتاً بر نقش مساجد در کمیت روابط اجتماعی، دگرگونی نقش مساجد، کارکردهای ارتباطی مساجد در عصر جدید، نقش تربیتی مساجد و اهمیت فضای مساجد در ایجاد همکاری و مشارکت اجتماعی ساکنان تأکید کرده‌اند. این مطالعات تلاش کرده‌اند تا اهمیت جایگاه مساجد را مورد واکاوی قرار دهند. افزون بر این، مطالعات پیشین با نگاهی بیرونی به نقش مساجد در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه و نیز افزایش ارتباطات گروهی پرداخته‌اند؛ لذا مطالعه ظهور ارتباطات گروهی در مساجد و کشف ماهیت این روابط به صورت خرد از طریق مربیان و عوامل فرهنگی و تربیتی فعال در مساجد، امری است که مورد غفلت واقع شده است.

چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی این پژوهش بر پویایی‌های گروهی استوار است. دلیل این امر، تأکید بر تعاملات و ارتباطات در گروه‌های کوچک اما متراکم و وابسته به هم است که در بطن ارتباطات مسجد صفا وجود دارد. خواستگاه پویایی گروه بر این امر تأکید دارد که رفتار فرد سخت تحت تأثیر ویژگی‌های گروه است. کار گروهی در حقیقت به این معناست که این فعالیت‌ها به صورت منظم و هدفمند توسط اعضای مجموعه انجام

شود. دقیق مثل چرخ‌دنده‌هایی که چرخش هر کدام از آن‌ها باعث چرخش دیگری می‌شود و سیستم به کار می‌افتد؛ به زبان ساده‌تر کار تیمی یعنی همکاری چندجانبه از سوی اعضای سیستم برای رسیدن به یک هدف مشخص (چنانی، ۱۴۰۲). از این منظر، بر اساس رویکرد اسمیت^۱ و همکاران (۲۰۱۸) می‌توان گفت که محیط‌های مذهبی مانند مساجد می‌توانند به‌عنوان کانون‌های فرهنگی و اجتماعی عمل کنند که ارتباطات و تعاملات بین افراد را تقویت می‌کنند.

در پویایی‌های گروهی، گروه‌ها هنجارها و شخصیت درونی فرد را شکل می‌دهند و این شخصیت درونی در تولیدکننده پیام هنگام ساخت پیام و در مخاطب هنگام تفسیر پیام تأثیر می‌گذارد. در کنار این مؤلفه، ساختارهای اجتماعی است که پیام‌گیر و مخاطب در آن قرار دارد. آن‌ها از یک‌سو ساختار اجتماعی حول هر یک از پیام‌گیرها و مخاطب را عامل تفسیر پیام می‌دانند و از سوی دیگر، ساختار اجتماعی کلی که حاکم بر کل فرایند تولید، ارسال و دریافت پیام است را نیز مؤثر می‌بینند (بشیر و خرم‌نژاد، ۱۴۰۱). در پویایی‌های گروهی، اعضای گروه احساس تعلق به گروه دارند، تعداد اعضاء محدود است و دائمی و پایدارند، اعضای این گروه‌ها به‌خوبی همدیگر را می‌شناسند و نسبت به همدیگر حساس‌اند، در مواقع لازم اعضای گروه از حمایت مالی و اجتماعی همدیگر برخوردار می‌شوند (سلیمی و حاج محمدعلی، ۱۴۰۰: ۳۳۷). بنابراین، با عطف به مباحث بالا، آنچه در این رویکرد مهم است و با مطالعه حاضر قرابت دارد، تأثیر شخصیت و محیط فرد در تولید و تفسیر پیام و روابط گروهی است. اینکه فرد در چه محیطی زیست می‌کند و مرجع رفتاری او چیست، سازنده کمیت و کیفیت ارتباطات با سایر گروه‌هاست؛ بنابراین، این موضوع شاکله هنجارها، ارزش‌ها، بایدها، نبایدها و کلیه آرمان‌ها و ایده‌آل‌های او را در بطن تعاملات گروهی شکل می‌دهد. همان‌گونه که در بیان مسئله نیز اشاره شد، پویایی‌های گروه‌ها در مسجد صفا حالتی متقاطع و متداخل دارد که شخصیت مربی و اخلاق او نفوذ زیادی بر مربی دارد. افزون بر این، کلیه ارتباطات در ساختار کلی مسجد قرار دارد که تابع سلسله‌مراتب و دستورالعمل‌های مدونی است که امکان تخطی از آن‌ها وجود ندارد. این امر، پویایی‌ها و ارتباطات گروهی را در فرایند شخصیت، ساختار و فرهنگ تربیتی مسجد صفا تعبیه کرده است. در پژوهش‌های مرتبط با نهادهای دینی، به‌ویژه مساجد، تأکید بر پویایی‌های گروهی و نقش محیط‌های مذهبی در تعاملات اجتماعی و شکل‌گیری هویت‌های گروهی از اهمیت بالایی برخوردار است.

روش پژوهش

رویکرد تحقیق به صورت «کیفی» است. با توجه به معیار زمانی، مقطعی است؛ از نظر ماهیت، اکتشافی و با در نظر گرفتن معیار کاربرد، از نوع تحقیقات کاربردی است. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه فعالان فرهنگی و دینی در مسجد بوده است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام گرفت و بدین ترتیب، با ۲۰ نفر از مربیان، کمک‌مربیان و اعضای هیئت شورایی مصاحبه نیمه ساختاریافته به عمل آمد. نمونه هدفمند شامل افرادی است که بر اساس ویژگی‌هایی همچون دانش و اطلاعات غنی، تجربه و سابقه درگیری با پدیده مورد نظر و ارتباط نزدیک و دائمی با پدیده انتخاب شده‌اند و می‌توانند قسمتی از پدیده را واکاوی و توصیف کنند. پژوهش حاضر با توجه به «روش گردآوری داده‌ها»، میدانی محسوب می‌شود.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، فرایند کدگذاری و تحلیل داده‌ها از طریق «تحلیل مضمون» انجام گرفت. ابتدا متن مصاحبه‌ها خوانده و روان‌سازی شد. سپس، کدهای اولیه و خام استخراج شدند. در گام بعدی، این کدها بر اساس تشابه و تفاوت معنایی در دسته‌ها و خوشه‌های متفاوت قرار گرفتند. سپس، هر کدام از خوشه‌ها نام‌گذاری شدند. در گام بعدی، این خوشه‌ها و دسته‌ها بر اساس مشابهت معنایی در قالب مضامین فرعی دسته‌بندی شدند. در گام نهایی، از ترکیب دو یا چند مضمون فرعی، مضامین اصلی استخراج شد که دارای بالاترین سطح پوشش و غنای مفهومی و معنایی بودند. بدین ترتیب، در روند کدگذاری و تحلیل داده‌های اولیه و خام، ۳۵۵ کد باز و اولیه استخراج شد. این کدها ریزترین واحدهای معنا دار هستند. از تجمیع این کدهای اولیه و خام، ۱۰۹ مفهوم پایه تشکیل شد. مفاهیم پایه حاصل تجمیع کدهای باز و اولیه هستند و به آن‌ها نظم و سامان می‌دهند. اعتبار داده‌ها نیز از طریق بازبینی توسط متخصصان، استانداردپذیری، انتقال‌پذیری و بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان انجام گرفت.

مشخصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان بدین صورت است: از نظر دامنه سنی، مشارکت‌کنندگان بین ۲۱ تا ۵۰ سال است. ۵ نفر از مشارکت‌کنندگان بین ۲۰ تا ۳۰ سال سن دارند، ۸ نفر سن آن‌ها بین ۳۱ تا ۴۰ سال و ۷ نفر دیگر بین ۴۱ تا ۵۰ سال هستند. کلیه مشارکت‌کنندگان مرد هستند. دلیل این موضوع به ساختار مسجد برمی‌گردد که بر اساس الگوهای تربیتی مردان فعالیت دارد و سابقه تربیتی مسجد جامع صفا در حوزه مردان جامع‌تر و کامل‌تر است. همچنین الگوی واحد خواهران نیز تقریباً مشابه واحد برادران است و آن‌ها نیز از همین الگو پیروی می‌کنند.

مشارکت‌کنندگان دارای تحصیلات دانشگاهی و حوزوی هستند. از این میان، ۸ نفر دارای تحصیلات حوزوی هستند؛ یک نفر سطح یک، سه نفر سطح خارج و چهار نفر دیگر سطح دو حوزه را دارند. ۳ نفر دارای مدرک دکترا، ۵ نفر دارای تحصیلات کارشناسی ارشد، ۳ نفر کارشناسی و یک نفر دارای تحصیلات دیپلم هستند. از بین ۲۰ مشارکت‌کننده، ۱۵ نفر متأهل و ۵ نفر مجرد هستند. ۱۰ نفر از مشارکت‌کنندگان مربی، ۴ نفر کمک‌مربی و ۶ نفر دیگر عضو شورای عالی تربیت مسجد هستند.

لازم به ذکر است افرادی که در مسجد جامع صفا مشغول به فعالیت هستند، دارای رشته‌های تحصیلی متفاوتی هستند که لزوماً الهیات و معارف اسلامی نمی‌باشد. رشته‌هایی مانند فنی و مهندسی، علوم اجتماعی و انسانی، هنر و ادبیات و ... نیز در مسجد صفا فعالیت دارند.

یافته‌های تحلیلی

با توجه به مطالب فوق، در ادامه به تفکیک هر کدام از مضامین اصلی تشریح و تفسیر شده است. همان‌گونه که اشاره شد این مقولات دارای بیشترین سطح غنای مفهومی و پوشش هستند و از این منظر مبنای تحلیل‌ها واقع شده‌اند.

جدول ۲. مضامین انسجام‌بخش و مضامین فراگیر

مضامین انسجام‌بخش	مضامین فراگیر
احیاء فرد در حلقه‌های مسجد	بازآفرینی اجتماعی و توانمندسازی جامع
هم‌افزایی فعالیت‌های مسجد با فضای بیرون	
تأکید بر جذب حداکثری	
ارتباط به‌مثابه توانمندسازی	
مربی به‌مثابه راه رشد و تعالی	سلسله‌مراتب مربی محور/خواص محور
کاریزمای مربی	
تشخص بخشی به خواص	
هویت بخشی از طریق مربی	

مضامین انسجام بخش	مضامین فراگیر
حساسیت های محله محور و مدارس	حمایت شبکه محور
حمایت هم افزا در گروه	
فعالیت های حلقه ای	
خیر فردی و جمعی	خیر جمعی و عقلانیت عملیاتی
اثربخشی و کاربردی شدن گروه	
تطابق ورودی و خروجی گروه	
توکل در کنار شورا محوری	
انطباق بین هزینه - فایده ها	ارزیابی عملکرد مستمر
دوری از فعالیت های مقطعی	
پوشش دهی به خطاها	
بازبینی عملکردهای فردی/گروهی	
پیوستگی نقش ها	پویایی و تنوع نقش ها
انعطاف پذیری نقش ها	
نقش های شورایی	
نقش های تخصصی	
دوری از نگاه تک بعدی به مسجد	برون سپاری برنامه ها
اولویت بیرونی ها بر درونی ها	
جذب حداکثری افراد بیرون مسجد	
جذب بر اساس متربی	
برنامه های نیاز محور	برنامه ریزی نیاز محور و تخصصی
برنامه ریزی تخصص محور	
برنامه ریزی سن محور	
برنامه ریزی معنا محور	
پوشش ضعف و قوت گروه با هم	تربیت پذیری تکاملی و تلفیقی
سطح بندی تربیتی متربی ها	
تقویت مهارت های کلامی	
تقویت مهارت های ارتباطی	

بازآفرینی اجتماعی و توانمندسازی جامع

مضمون بازآفرینی اجتماعی و توانمندسازی جامع به معنای ایجاد بسترهایی در بین اعضای گروه است که مربی می‌تواند به شکلی متفاوت، بعد از ورود به مسجد و گذراندن دوره‌های تربیتی و معرفتی، شرایط لازم را برای ادغام و جذب در درون و بیرون از مسجد، پیدا کند. در اینجا سعی بر این است که افراد با ورود به فضای مسجد شرایط را برای احیاء خود فراهم سازند. فرد مربی تحت تعلیم و تربیت مربی یا کمک‌مربی قرار گرفته و شرایط لازم را برای پیوند او با گروه از یک طرف و اعضای جامعه از طرف دیگر، فراهم می‌سازند. گروه با این کار علاوه بر اینکه فرد را از انزوا خارج می‌سازد، با تعلیم او شرایط را برای جذب دیگران (خارج از مسجد) فراهم می‌سازد. مشارکت‌کننده‌ها شماره ۱۱ اظهار می‌کند:

در حلقه‌ها سعی بر این است که مربی بتواند فضاهای رشد خودش را ایجاد کند و به گسترش گروه و رشد خود کمک نماید. به نحوی ما می‌خواهیم که روابط بیشتر شود و معارفی که انتقال پیدا می‌کند محدود به فرد و خود مسجد نباشد.

از آنجایی که روابط در حلقه‌ها و سلسله‌مراتب‌ها مبتنی بر نوعی استاد و شاگردی معناگرا است (در مقوله بعدی از این سلسله‌مراتب، به سلسله‌مراتب مربی محور/ خواص محور تعبیر کرده‌ایم)، افراد آنچه را که آموخته‌اند را از طریق تعاملات چندسویه به دیگران منتقل می‌کنند. این انتقال جامعه‌پذیری دیگران بر اساس الگوها و سبک‌های ارتباطی موجود در حلقه‌ها و گروه‌های تعریف شده می‌باشد. از این رو، پیوندها و علقه‌های چندلایه‌ای شکل گرفته که از نظر کارکرد و تراکم امکان ادغام افراد را فراهم ساخته‌اند. یکی دیگر از مشارکت‌کننده‌ها (شماره ۳) اظهار می‌کند:

استراتژی کار این است که باید جذب کنید و شرایط را برای فعالیت خود و دیگران فراهم کنید. این یعنی برقراری ارتباط. ذات اینجا با ارتباط معنا پیدا کرده است. ارتباطات چندبعدی است. به‌خاطر همین باید نوعی همگرایی ایجاد شود وگرنه گروه با نوعی پیوندهای تک‌بعدی و از بالا روبرو می‌شود که شکست می‌خورد.

سلسله‌مراتب مربی محور/ خواص محور

این مضمون به معنای اعتلای کمی و کیفی ارتباطات اعضا و کارگروه‌های مسجد در لوای شخصیت، دانش، انسجام‌بخشی و انضباط‌بخشی مربی و خواص گروه است که

مربی یا خواص می‌توانند از طریق این مؤلفه‌ها ایده‌های خود را به‌پیش ببرند. انسجام و موفقیت مسجد جامع صفا در پرتوی دانش و قدرت مدیریت مربیان و خواص معنا پیدا کرده است. مربیان با ابزارهای مناسب از جمله دانش تجربیات قبلی، نقش بسزایی در ارتباطات گروهی دارند. می‌توان گفت نوعی سلسله‌مراتب مبتنی بر مربی محوری و خواص محوری وجود دارد که جذبه و قدرت علمی او می‌تواند استانداردهای لازم برای موفقیت یا عدم موفقیت حلقه‌های فعال در مسجد را فراهم سازد.

تمایز گروه‌های مسجد، به روش مربی‌ها و کمک‌مربی‌ها برمی‌گردد. چون روش ما مربی محور است و منظور از مربی تیم مربیان است، ضعف و قوت‌های مربی و یا نگاه‌های خاص او کاملاً مؤثر است. تمایز گروه‌ها به تمایز در مربی‌ها برمی‌گردد. بُعد روحی و معنوی او خیلی مؤثر است. هماهنگی یا عدم هماهنگی با مسجد کاملاً در مربی و مربی‌ها و مؤثر است (مشارکت‌کننده شماره ۱۱).

مربی با تربیت و انتقال ارزش‌های دینی به اعضاء سعی می‌کند، وضع مطلوب داخل مسجد را به بیرون از مسجد نیز انتقال بدهد. این کار را از طریق برقراری پیوند صمیمی و دوستانه ایجاد می‌کند. از آنجایی که دوستی و اخوت اعضاء لاجرم به بیرون نیز منتقل می‌شود، در نتیجه آثار مستقیم آن تأثیرپذیری بیرونی‌ها از رفتار آن‌هاست. این امر، علاوه بر اینکه اعضاء را منسجم‌تر می‌کند، کشش دیگران برای پیوستن به این حلقه‌ها را مضاعف ساخته است. دیگرانی از جمله دوستان بیرونی اعضاء و مربیان و همچنین خانواده و آشنایان آن‌ها. به تعبیری، می‌توان گفت شاهد نوعی یارگیری از طریق رفتارهای عینی اعضاء گروه به‌خصوص خواص گروه هستیم. خواص گروه اخوت خود را در کشش‌های بیرونی بروز می‌دهند و دیگران را به درون مسجد جذب می‌کنند.

مطلب دیگر اهمیت خواص گروه است. خواص در جمع کردن بچه‌ها دور هم مؤثرند. کسی که دو تا رفیق داشته باشد برای سر زدن به دوستش هم به مسجد می‌آید. آن چیزی که باعث شکست می‌شود، همان عاملی است که وجودش باعث تمایز بین گروه‌ها می‌شود و آن هم بحث خواص است. خواص می‌تواند باعث شکست هم بشود. بچه‌ها اگر با تصور اینکه خودشان می‌فهمند از دور مربی و حاج‌آقا و مسجد پراکنده بشوند، شکست می‌خورند. گروهی که رابطه اخوت و صمیمیت در آن کم باشد، ضعیف می‌شود (مشارکت‌کننده شماره ۱۴).

حمایت شبکه محور

مضمون حمایت شبکه محور به معنای هم افزایی تعاملات و ارتباطات در یک بستر مشخص و مدون است که در مجموع تشکیل یک شبکه از فعالیت های همپوشان را داده است. به دلیل وابستگی متقابل، حلقه ها منفک از همدیگر نیستند، بلکه نیازها و تخصص های متفاوت آن ها را به همدیگر مرتبط کرده است؛ لذا، در عین حال که اعضاء و گروه ها دارای تمایز کارکردی متفاوتی هستند، اما ساختار یکسانی آن ها را به همدیگر پیوند داده است که این امر مانع از ازمهم گسیختگی حلقه ها شده است.

یک مدل گروهی است که خود بچه های گروه با هم ارتباط دارند، یک مدل مدلی تلفیقی است که مثلاً ۳ تا گروه ۲۳ داریم، ۳ تا گروه ۲۴ داریم که گروه های هم سن اند. یکی هم بحث دوره است. بعد که این دوره ها به سنی می رسند که شورایی می شوند، این دوره ها با هم برخورد دارند. مثلاً ما در شورای تخصصی مان از صفا ۱ و ۲ داریم تا جوانان یک و دو و سه. دوره های مختلف از لحاظ مسئولیت با هم برخورد می کنند. یک سری ارتباطات داریم به اسم حلقه ها که این حلقه ها افراد ۴، ۵ نفره هستند که در هر گروه و دوره که علایق شان به هم بیشتر می خورد و این ها یک حلقه صمیمی تری را تشکیل می دهند (مشارکت کننده شماره ۸).

این شبکه ها، علاوه بر تأمین نیازهای درونی مسجد، نسبت به محله نیز حساسیت دارند. از این رو، از حمایت های محله ای نیز برخوردار هستند. البته، محله فراتر از روابط همسایگی با مسجد است، زیرا دامنه فعالیت های مسجد آن ها را به سایر نقاط شهر گسترش داده است. این امر این امکان را فراهم ساخته که علاوه بر حذف افراد از سایر نقاط شهر، بتوانند برنامه های خود را در جاهای دیگر گسترش بدهند؛ لذا، رویکرد شبکه ای، حمایت های دریافتی در مسجد را همه جانبه و دائمی کرده است. حمایت گرایی شبکه محور افق های سازمانی را به صورت عرضی توسعه داده است. افراد فعال و مربیان در کنار الگوهای ارتباطی عمیق و فردی، شبکه تعاملات را به صورت گروهی و عرضی توسعه داده اند. در اینجا، دو نوع از ارتباطات خاص مسجد شکل گرفته است: شبکه های رشته ای و شبکه های خوشه ای. در نوع اول عوامل انتقال اطلاعات که عمدتاً شوراها و مربیان هستند در امتداد یک خط قرار دارند و هر یک از این عوامل، اطلاعات دریافتی خود که برآمده از ساختار حاکم بر مجموعه است را به عامل بعدی انتقال می دهد و به همین منوال اطلاعات در تمام مجموعه منتشر می شود. در نوع خوشه ای،

هر عامل انتقال اطلاعات، عوامل دیگری را انتخاب می‌کند و اطلاعات موردنظر را به آن‌ها می‌دهد. در این حالت، اطلاعات بیشتر حالت خاص‌تر دارد که از آن به حلقه‌های اطلاعاتی یاد می‌شود. شماره ۷ اظهار می‌کند:

گروه‌ها و حلقه‌ها در کنار هم اطلاعات و اخبار را رصد می‌کنند و چیزی جداگانه وجود ندارد. به همین دلیل، در مجموعه هم شفافیت اطلاعات وجود دارد و هم این اطلاعات در کمترین زمان به همه می‌رسد و برنامه‌ها برای همه مشخص می‌شود. درواقع ما به‌صورت کلاف کار می‌کنیم. در تاروپود هم قرار گرفتیم که این امر منجر به این می‌شود تا همه مجموعه با هم حرکت کند.

خیر جمعی و عقلانیت عملیاتی

این مضمون به معنای به‌کارگیری نوعی برنامه‌ریزی هدفمند در کنار ویژگی‌های جهادی، خودجوش و غیرمادی در بین اعضای حلقه‌های فکری جهت انجام امور و فعالیت‌های طراحی‌شده است. در روابط بین گروه‌ها و حلقه‌ها، فرد در انجام وظایف خود بر اساس «اصل تخصص» فعالیت دارد؛ اما در جهت گسترش روابط و ایجاد شبکه‌های درونی و بیرونی بر اساس «اصل خیر» عمل می‌کند. این امر باعث شده ارزش‌های حاکم بر فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی در مسجد جامع صفا با اعتقاد برگشت‌پذیری تعریف شود. برگشت‌پذیری می‌گوید هر فعالیتی که منشأ خیر عمومی داشته باشد، به طریق دیگری آثار خیر آن به فرد برمی‌گردد؛ لذا، ارزش‌های مادی برای آن‌ها از درون یک ملاک و چارچوب اخلاقی عبور می‌کند. آثار و پیامدهای این وضعیت خود را در پویایی‌های همکارانه نشان می‌دهد. در اینجا، سعی می‌شود که بین درون‌دادها و برون‌دادها تطابق ایجاد شود تا اثربخشی فعالیت‌ها در شبکه مشخص باشد. مشارکت‌کننده شماره ۱۶ اظهار می‌کند:

در عین داشتن هدف و خردورزی، همکاری و توجه به خدا و توکل هم مهم است. در غیر این صورت مسجد تا الان اینقدر رشد نداشت. افراد متخصص هستند، ولی عندالله کار می‌کنند که کاری روی زمین نماند. اینجا گروه با نوعی همکاری و خیر جمعی روبه‌رو است و افراد دنبال سود شخصی در مسجد، نیستند.

از این منظر، نوعی ذهنیت و تفکر در بین گروه‌ها و هیئت شورایی شکل گرفته است که در آن ارتباطات بر مبنای شبکه‌ای از تخصص و خیر جمعی باعث شده نوعی رهبری

گروهی شکل بگیرد که در پرتو آن فرد به گروه توانمندی داده و درعین حال بخشی از توانمندی‌ها و حمایت‌های گروه را جذب می‌کند. سامان‌های شناختی شکل گرفته که در آن تمایز اصلی با سایر فعالیت‌های گروهی خارج از مسجد (چه رسمی و چه غیررسمی) در این است که «تفکر، حل مسئله، برنامه‌ریزی و خلاقیت» در کنار «خیر، دیگران و برگشت‌پذیری» شکل گرفته است. این امر به آن‌ها اجازه داده که بتوانند بین ابزار و اهداف انطباق ایجاد کنند و شکاف مندرج در بین این دو که عمده‌تاً در گروه‌های مختلف شکل می‌گیرد را به حداقل ممکن برسانند. مشارکت‌کننده شماره ۴ اشاره می‌کند:

اینجا فرد واقعاً به فکر اثربخشی و مثبت‌بودن هست. این مثبت‌بودن با حساب و کتاب جور در نمی‌آید؛ یعنی باید از بعضی از زمان‌هایی که برای کسب مادیات و درآمد گذاشته‌اید، بگذرید تا بتوانید در شبکه نقش‌آفرینی کنید. اینجا واقعاً عقل مادی کاربردی ندارد. البته این به معنای این است که زمان‌هایی که اینجا باید این‌طور عمل کنید.

ارزشیابی مستمر عملکردها

این مضمون یکی از مهم‌ترین مضامینی است که ارتباطات گروهی در مسجد جامع صفا را متمایز و منحصر به فرد ساخته است و به معنای ارزیابی مسیر طی شده بر اساس اهداف و ابزار موجود از یک سو و توجه به خطاها و نقاط ضعف و قوت از سوی دیگر به منظور بالا بردن توانمندی‌های گروهی است. تخصص باعث شده که نوعی ارزیابی عملکرد دائمی بر مجموعه کارگروه‌ها و حلقه‌ها وجود داشته باشد که بقا و پویایی‌های همکارانه را تقویت و ارزیابی دقیق و موشکافانه‌ای در ارتباط با انعکاس نیازها و مشکلات آموزشی و غیرآموزشی ایجاد کرده است. ارزیابی عملکرد دائمی در حین جذب و بعد از آن نیز توانسته مهم‌ترین نقش را در بهبود استانداردهای آموزشی و تربیتی مطلوب ایفا نماید.

نظارت همیشگی داریم. هر گروهی نیاز به یک بستر و فضایی جهت تشکیل و مشخص شدن نقاط ضعف و قوت دارد. خیلی از گروه‌ها در فضاهای کاری مرتبط با هم که بر مبنای یک عقیده، هدف و راهبرد است شکل می‌گیرد. گروه‌ها جهت تحقق این امر و پیگیری هرچه بیشتر کارهایشان و برای باهم بودن به فضایی درخور با موضوع فکری خود نیاز دارند که از طریق بررسی دقیق انجام می‌شود (مشارکت‌کننده شماره ۹).

ارزیابی نیروها و کل مجموعه در یک وضعیت عادلانه شرایطی ایجاد کرده که افراد جذب شده این تصور را پیدا می کنند که دیده می شوند، رصد می شوند و برای دیگران مهم هستند؛ بنابراین، افزون بر اینکه انگیزه و اشتیاق آن ها را بیشتر می کند، موانعی که توسط آن ها در فرایند آموزش و تربیت تشخیص داده می شود، منعکس شده و در یک چرخه سیستماتیک موانع احتمالی نیز تا حدی از بین می رود؛ لذا، این ارزیابی/ عملکرد دائمی فعالیت ها است که توانسته مهم ترین نقش را در بهبود کیفیت و در نتیجه موفقیت مسجد جامع صفا ایفا نماید.

ما سعی می کنیم دائماً رصد کنیم و خطاها را پوشش بدهیم و این یک اصل مهم است. ما نمی توانیم بدون تجربیات قبلی برنامه ریزی کنیم. این باعث شده که کمتر هزینه های تکراری کنیم و از این طریق بتوانیم نیازهای آینده را بهتر تشخیص بدهیم. علاوه بر این، تربیت پذیری متربیان بر اساس یک مسیر مطلوب پیش رفته که قبلاً نتیجه گرفتیم، پیش خواهد رفت (مشارکت کننده شماره ۲).

پویایی و تنوع نقش ها

مضمون پویایی و تنوع نقش ها به معنای عدم تمایز کارکردی و انحصاری شدن نقش ها بدون توجه به سایر کارگروه ها و حلقه های تربیتی است. در مسجد جامع صفا شاهد تنوع نقش ها هستیم که از آن به پویایی و تنوع نقش ها تعبیر کردیم. این تنوع مبتنی بر نوعی از روابط است که در آن شاهد نوعی انعطاف پذیری شناختی در روابط گروهی هستیم. در اینجا، اعضاء به راحتی می توانند از یک مفهوم به مفهوم دیگر و از یک سطح به سطح دیگر در حرکت باشند بدون اینکه با تضاد و تعارض نقشی روبرو شوند؛ این وضعیت باعث شده تعامل بین حلقه ها کاملاً انعطاف پذیر باشد که علاوه بر تسریع فعالیت ها، منجر به شکل گیری بیشتر تعاملات چهره به چهره اعضا شده است.

ما برای خودمان تعاملاتی داریم که جایگاه افراد در سلسله مراتب مشخص است اما در زمانی که نیاز باشد، انعطاف پذیر بوده و می توانیم در چند نقطه فعالیت کنیم. مثلاً مربی، عضو شورای تخصصی است و ممکن در جای دیگر مسئولیت دومی هم داشته باشد. پس خیلی در قید یک نقش خاص نیستیم و افراد نقش های متفاوتی در یک زمان می توانند داشته باشند. (مشارکت کننده شماره ۳).

شاهد نوعی وحدت در عین کثرت در نقش‌ها هستیم. وحدت به معنای تمرکز بهینه بر وظایفی است که در راستای اهداف و برنامه‌های کلی مجموعه ترسیم شده است؛ اما کثرت نقشی به معنای وجود ارزش‌های جمعی حاکم بر ساختار تربیتی مسجد است که همه باید نسبت به آن‌ها متعهد باشند. مهم‌ترین رکن در اینجا، مشورت است. مشورت به معنای ارائه چشم‌انداز خود و درعین‌حال ارائه پاسخ‌ها و شفافیت است. این امر با پیش‌کشیدن اعضا و حلقه‌ها مانع از رکود و انفعال گروهی شده است. در واقع، در اینجا است که شاهد استراتژی مسجد جهت به میدان کشیدن اعضا هستیم، زیرا به مشورت و گفتگو افراد را مشارکت داده و مانع از انفراد و انفعال آن‌ها شده است.

در مسجد همه چیز به هم گره خورده و شما نمی‌توانید کنار بکشید. فعالیت‌ها به هم متصل شده و افراد با گفتگو و ورود به فعالیت‌ها مختلف نسبت به هم و نسبت به حلقه‌ها حساس هستند. تربی می‌تواند مربی را حساس کند و مربی می‌تواند دنباله‌رو مربی بعد از مسجد باشد. شورا در کنار مربی امور را رصد می‌کند (مشارکت‌کننده شماره ۱۳).

برون‌سپاری برگشت‌پذیر

مضمون برون‌سپاری برگشت‌پذیر به معنای دوری از جزیره‌گرایی و نگاه تک‌بعدی به مسجد بدون توجه به شورای بیرونی است. در واقع، تربیت مربی با هدف اینکه آن‌ها بتوانند از طریق تربیت و آموزش درست سایر افراد هم‌سال خود را به سمت مسجد هدایت کنند. برون‌سپاری بخشی از راهبردهای جذب افراد، توسط همسالان از ویژگی‌های خاص مسجد جامع صفا است. در اینجا، مربی‌ها در حین و بعد (بیشتر بعد) از دریافت تربیت و آموزش درست، سعی در جذب دیگران دارند. در اینجا، بین ورودی و خروجی تطابق ایجاد می‌شود و پویایی‌های همکارانه حفظ می‌شود. افراد تربیت‌شده و سایر عوامل اجرایی مسجد، با هدایت دیگران به مسجد علاوه بر اینکه اصول و ارزش‌های گروهی خود را منحصر به درون مسجد نکرده، سعی دارند به جذب حداکثری افراد بپردازند. در این حالت، سایر افراد نسبت به فعالیت‌های مسجد آگاه شده و از نظر کمیت و کیفیت به حفظ گروه‌ها و حلقه‌ها کمک می‌کنند. افزون بر این، ارزش‌های مسجد با انتشار در سطح گروه‌های همسال و همیار، فضاهای کنشی را به سمت افرادی برده که نسبت به روابط داخل مسجد از یک سو و آنچه به افراد آموزش داده می‌شود، از سوی دیگر آشنا می‌شوند. از این منظر مشارکت‌کننده شماره ۱۷ نقل می‌کند:

فضای شکل گرفته که در آن روابط منحصر به اعضای درونی نیست. ارتباط با بیرون همواره برقرار است. این کمک می‌کند تا هم گروه‌ها حفظ بشود و هم اینکه مربی خود در نقش مربی به جذب افراد بیرون از مسجد بپردازد. تازه، فقط به مسجد محدود نمی‌شود که اثرات خیر آن کاهش پیدا کند.

در برون‌سپاری باید با اصل برگشت‌پذیری همراه باشد. این تفاوت ارتباطات گروهی مسجد با سایر برون‌سپاری‌ها است؛ به این معنا صرف تلاش جهت جذب کافی نیست، بلکه باید آثار مثبت آن به طرق مختلف به اعضا و گروه‌های درون مسجد برگردد. این برگشت‌پذیری یا به شکل جذب افراد همسال است یا اینکه فضای کنشی را برای اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های خارج از مسجد به منظور ارائه اهداف و برنامه‌های مسجد است.

مستمرأ ما بازخورد می‌گیریم و این عمل در حین جذب به ما کمک می‌کند. مربی خود در نقش مربی ظاهر شده و به همسالان هر چیزی که یاد گرفته را منتقل می‌کند. این خطاهای ما را هم مشخص می‌کند که بهتر بتوانم با زبان جدید معارف را انتقال بدهم (مشارکت‌کننده شماره ۱۲).

برنامه‌ریزی نیازمحور و تخصصی

مضمون برنامه‌ریزی نیازمحور و تخصصی به معنای انجام فعالیت‌ها بر اساس موضوعات خاص در یک برهه زمانی تعریف شده است. نقطه ثقل انسجام درونی و ارتباطات گروه‌ها بر اساس برنامه‌ریزی نیازمحور و تخصصی است. برنامه‌ریزی نیازمحور تقسیم یک موضوع کلان بین گروه‌ها و انجام وظایف حول آن است؛ لذا، عدول از آن نوعی خطای راهبردی محسوب می‌شود. تعیین موضوعاتی که حلقه‌ها بر اساس آن فعالیت کنند، مانع جزیره‌ای شدن و گسست بین حلقه‌ها شده است. این امر علاوه بر این منجر به سازماندهی گروه‌ها بر اساس نظم مشخصی شده است، از فعالیت‌های سطحی نیز جلوگیری کرده است. درواقع، تمرکز دوره‌ای بر محورهای خاص منجر به تحلیل و نیل به عمق آن شده و از تربیت‌پذیری بدون استدلال و منطق جلوگیری به عمل آورده است.

شدت و ضعف این برنامه‌ها سال به سال تغییر می‌کند؛ یعنی برنامه‌ها معمولاً از برنامه‌های اختصاصی گروهی شروع می‌شود هر چه جلوتر می‌رود، برنامه‌های عمومی کم‌کم پررنگ‌تر می‌شود؛ یعنی اول بچه‌ها در بحث جذب اول گروه هستند و برنامه کاملاً اختصاصی هستند. بعد از گذشت دو، سه سال برنامه‌ها عمومی می‌شود. مثل برنامه‌های شب جمعه (مشارکت‌کننده شماره ۶).

سبک موضوع محوری در ارائه دلالت‌های تربیتی و آموزشی سبک سنتی متحول شده است. محتوا در این طرح، اصول و مفاهیمی است که پیش از اجرای برنامه، توسط شورا و مربیان انتخاب و سازماندهی می‌شود. منابع و ابزار که معمولاً کتب دینی و معارف از یک سو و دانش زمینه‌ای مربیان از سوی دیگر است در خدمت محتوا قرار دارد که مربی (در گام اولیه) هیچ نقشی در انتخاب آن ندارد. فعالیت‌های یادگیری که در هماهنگی کامل با اهداف این نوع برنامه قرار دارد، عمدتاً از نوع کلامی و استدلالی است که با هدف ایجاد تغییرات ذهنی، شناختی و رفتاری مطلوب در مربی تعریف شده‌اند. راهبردهای تربیتی و آموزشی در اغلب موارد استفاده از روش‌هایی نظیر سخنرانی و مباحثه است؛ چراکه در این طرح مربی در نقش یک فرد خبره (به مقوله سلسله‌مراتب مربی محور مراجعه کنید) در موضوع درسی، انتقال‌دهنده دانش به مربیان است. مشارکت‌کننده شماره ۱۸ نقل می‌کند:

ما سه دسته برنامه داریم؛ یک برنامه عمومی، یک برنامه فردی و یک برنامه گروهی. برنامه عمومی همان برنامه‌ای که برای کل افراد در نظر گرفته می‌شود که برای تربیت آمادگی داشته باشند. برنامه فردی این است که نفر اول، دوم، سوم، چهارم، در بحث ویژگی‌هایشان در بحث خانواده‌شان فرق می‌کنند. درواقع، حالات و ویژگی‌های هر فرد متفاوت است؛ به همین دلیل مربی باید برای فردی برای هر فرد داشته باشد.

تربیت‌پذیری تکاملی و تلفیقی

مضمون تربیت‌پذیری تکاملی و تلفیقی بر ایجاد بسترهای برای آموزش فرد در سطوح و لایه‌های مختلف تأکید دارد که بر اساس آن از رویه‌های تک‌بعدی دوری شده و مربی در ابعاد مختلف آموزش لازم را دیده است. ساختار تربیتی مسجد در گروه‌ها، مکمل هم و ترکیبی است. در اینجا، فرد علاوه بر خودشناسی، با یادگیری مهارت‌های کلامی و ارتباطی واجد ارزش‌های می‌شود که او را به یک سطح و درجه از دانایی (متناسب با ظرفیت خود) مجهز می‌سازد. از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که امر ترکیب و تلفیق را میسر و مطلوب ساخته است، به ارزیابی عملکرد مستمر برمی‌گردد که در مقولات پیشین به آن پرداختیم. ارزیابی از مسیر طی شده باعث شده از خطاهای احتمالی جلوگیری و شرایط برای یادگیری بهتر فراهم شود. ایجاد بسترهای برای علائق افراد در کنار فعالیت‌های جمعی، ارتباطات گروهی را مکمل هم ساخته است. این ابعاد تکمیلی منجر به این شده که نوعی پیشرفت پلکانی و تدریجی حاصل شود. به این معنا گروه

درمی‌یابد که چه مهارت‌هایی به مربی ارائه کند و چه نیازهایی وجود دارد که باید به آن‌ها پوشش داده شود. علاوه بر این، مرزهای گروهی با ارائه هر مهارت توسط هر گروه حفظ می‌شود. فرد در یک سطح مهارتی و در سطح دیگر مهارتی کسب می‌کند که هر مهارت توسط گروه خاصی ارائه می‌شود؛ لذا، نوعی همگرایی دانشی نیز وجود دارد که وابستگی گروه‌ها را به همدیگر بیشتر کرده است.

بر اساس علایق بچه‌ها می‌توان آن‌ها را جذب کرد. مثلاً بچه‌ها به کار مهارتی علاقه دارند، به برنامه‌نویسی علاقه دارند و... شما دوره‌های این مهارت‌ها را خیلی قشنگ تولید کرده‌اید و بعد در نرم‌افزاری که پلکانی باشد، می‌توانند این مهارت را کسب کنند. یا مشابه این بازی که الان تازه تولید شده است که یکی از ایران و یکی مثلاً در کشور دیگر با او ارتباط می‌گیرد و با هم بازی جمعی می‌کنند. بازی جمعی که به تربیت نیز ربط داشته باشد. با این موارد می‌شود بچه‌ها را علاقه‌مند کرد (مشارکت‌کننده شماره ۱۲).

تأکید بر تأثیرپذیری فرد از سایر افراد و گروه از سایر گروه‌ها نیز مورد توجه است. تشکیل مجمع‌هایی از افراد بر اساس ارزش‌های درونی افراد، ارتباطات گروهی را به تعادل کشانده است. کشش افراد به سوی افراد صالح، انگیزه‌های همسان‌سازی را افزایش داده است. فرد می‌پذیرد که باید تراز گروه را معیار قرار داده تا بتواند جایگاه خود را بالا ببرد؛ لذا، نوعی بازی جمعی تکاملی رخ داده است. این بازی جمعی تکاملی، مبتنی بر اصل یادگیری است، آن هم یادگیری معنا محور.

باید افراد را مکملی بچینیم. مثلاً در کلاس شاگرد ضعیف را کنار شاگرد قوی قرار می‌دهند. مطلب بعدی بحث مجمع الفساقین و مجمع الصالحین است که اگر مجمع الفساقین شکل بگیرد باعث پسرفت می‌شود و اگر مجمع الصالحین شکل بگیرد، گروه را ارتقا می‌دهد. پس مربی باید حواسش باشد در ارتباط‌های دونفره تکاملی و ضعیف و قوی بچیند. سعی کند مجمع الفساق شکل نگیرد. اگر ارتباطاتی شکل بگیرد خود مربی‌ها صرفاً در آن دخیل باشند، مخرب است (مشارکت‌کننده شماره ۴).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به بررسی ارتباطات گروهی در مسجد جامع صفا پرداختیم. با استفاده از رویکرد کیفی و تحلیل مضمونی، مضامین «بازآفرینی اجتماعی و توانمندسازی جامع، سلسله‌مراتب مربی‌محور، حمایت شبکه‌محور، عقلانیت عملیاتی، ارزیابی عملکرد

مستمر، پویایی و تنوع نقش‌ها، برون‌سپاری برگشت‌پذیر، برنامه‌ریزی نیازمحور و تخصصی و تربیت‌پذیری تکمیلی و تلفیقی» استخراج شدند. در مسجد جامع صفا به دلایل مختلفی از جمله تراکم علمی، اخلاقی و معرفتی ناشی از تجارب چندساله، شکل خاصی از پویایی‌های همگرایانه شکل گرفته است.

این همکاری‌ها منجر به گروه‌ها و شبکه‌هایی شده که حمایت‌ها را متداخل و همگرا کرده‌اند. زمانی که حلقه‌ها در تعامل با هم قرار می‌گیرند، منافع و آسیب‌های این تعاملات به صورت کارکردی و مشهود خود را نشان می‌دهد. در این وضعیت، حلقه‌ها با پیوندهایی به همدیگر گره خورده‌اند که گسست آن‌ها را دشوار ساخته است. دلالت‌های این موقعیت از این حیث خاص و منحصر به فرد است که در آن سلسله‌مراتبی از نقش‌های چندگانه ایجاد شده که مهم‌ترین مکانیسم آن دو محور «خیر جمعی و عقلانیت عملیاتی» و «سلسله‌مراتب مربی‌محور/خواص‌محور» است.

در اینجا، ارتباطات گروهی با ترکیبی از جمع‌گرایی و کاریزمای فردی به هم پیوند خورده‌اند که در شرایط خاص با ارائه اندیشه از هر دو طرف، مبانی و بسترهای گروه را محکم نگه داشته است. علاوه بر این، این حمایت‌ها در یک شبکه حمایتی قرار دارند که با ایجاد بسترهایی برای رسوخ تفکرات خاص مسجد به بیرون، هم منجر به جذب افراد شده و هم با تربیت متربی و تبدیل او به مربی، در باز پیوندسازی افراد بیرونی به درونی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

درواقع، درهم‌تنیدگی ارتباطات در یک فرایند خاص که اصول آن را نقش‌های چندگانه، کاریزمای خواص، شبکه‌ها، خیر جمعی و عقلانیت عملیاتی، ارزیابی عملکردهای مستمر، برون‌سپاری و تربیت تلفیقی شکل می‌دهند، سبب شده است که ارتباطات گروهی در مسجد نه امری اثباتی و از بالا به پایین باشد که رویه اجباری به خود بگیرد و نه یک فرایند غیرمتمرکز و پراکنده که نقطه ثقلی نداشته باشد؛ بلکه آمیزه‌ای از فردگرایی و جمع‌گرایی است که با اتحاد نیروها در لوای آنچه «عقلانیت عملیاتی گروهی» نامیده‌ایم، به بهترین وجه یک مدل منحصر به فرد را به نمایش گذاشته است.

در مسجد جامع صفا، رویه‌های خطی در ارتباطات وجود ندارد. همان‌گونه که اشاره شد، با نوعی پویایی و تنوع نقش‌ها روبرو هستیم. این امر باعث شده است که افراد به صورت انحصاری برخورد نکنند. علاوه بر این، چون تربیت‌پذیری ترکیبی و تلفیقی است، این امر امکان جداسازی و تفکیک نقشی را به حداقل رسانده است و مربی خود می‌تواند در گروه بالاتر به عنوان عضوی از هیئت شورایی به انجام وظیفه بپردازد؛ بنابراین،

همه حلقه‌ها و کارگروه‌ها بر اساس استراتژی همانندسازی فعالیت می‌کنند. استراتژی همانندسازی بر این اساس قرار دارد که باید آنچه در برنامه‌ریزی نیازمحور و تخصصی، موضوعیت پیدا کرده، مدنظر قرار بگیرد. این امر مانع از پراکنده‌سازی فعالیت‌ها شده و در کنار آن قدرت کارگروه‌ها در جهت تحلیل عمیق مسائل تربیتی را بالا برده است. افزون بر این، امکان ارزیابی عملکردها را بالا برده است. این ارزیابی عملکردها با توجه به رویه‌های گذشته، علاوه بر کاهش خطاهای احتمالی، مانع از به‌کارگیری رویه‌های تکراری در ترسیم افق‌های گروهی شده است، زیرا همواره بر فرایندهای روبه‌جلو و آینده‌نگرانه استوار است. این آینده‌نگری و توجه به تحولات روز خود ناشی از آن چیزی است که باز پیوندسازی برای گروه‌ها فراهم می‌سازد. مربی‌ها با توجه به رویه ارتباط با بیرون از مسجد، با افرادی روبرو می‌شوند که نیازهای خاصی دارند که ممکن است این نیازها در مسجد مدنظر قرار نگیرد. با بازخورد آن‌ها و توجه به این نیازهای معنایی و معرفتی، گروه‌ها و حلقه‌ها در این راستا عمل کرده و در نتیجه، همواره خود را با الزامات روز و جامعه هماهنگ و منطبق می‌سازند.

بنابراین، شاهد این هستیم که در مسجد ارتباطات گروهی بر اساس ارزش‌های دینی، از رویه‌های خشک و استانداردهای بی‌اثر عبور کرده و با ایجاد رشته‌ای از تعاملات، مانع از سلطه رویه‌های از بالا به پایین و غیرقابل انعطاف شده است و از این طریق نوعی از ارتباطات چندلایه را به منصه ظهور رسانده است.

به‌طور کلی، علاوه بر مختصات فوق، آنچه منجر به تفاوت منحصر به فرد ارتباطات گروهی در مسجد جامع صفا شده است، ارزش‌دهی به نقش‌ها در افق‌های مختلف است. به تعبیری دیگر، افرادی که در کارگروه‌ها و حلقه‌ها فعالیت دارند، هر کدام بر اساس میزان اثرپذیری دارای وزن خاصی هستند که دیده می‌شوند و اثربخشی آن‌ها ملموس است. مربی علاوه بر تربیت‌پذیری خود در نقش مربی برای همسالان بیرونی خود فعالیت می‌کند. مربی به مثابه کمک‌مربی در سطح دیگر فعالیت می‌کند. هیئت شورایی متشکل از عناصر مسجد و مربیان است که خواص و غیرخواص محسوب می‌شوند.

این اجزا در یک فرایند در چرخه ارزیابی مستمر عملکرد قرار گرفته که مانع از خوداظهاری فردگرایانه و غیردینی آن‌ها می‌شود. علاوه بر این، با ابزار خیر جمعی و عقلانیت عملیاتی کلیه دستاوردهای گروهی به ساختار گروهی تزریق می‌شود که این خود منجر به کاشت بذره‌ای صمیمیت و ارتباطات عمیق‌تر شده و از موازی‌کاری و رویه‌های سطحی و فردی جلوگیری می‌کند.

علاوه بر این، دوری از مناسک گرابی‌های بی‌مورد باعث شده است که ارتباطات بر اساس تجربه و عواطف دینی حرکت کند. به تعبیری، مناسک باید بتواند روح و معنا را به افراد منتقل کند؛ بنابراین، در برنامه‌ریزی نیازمحور و تخصصی با ایجاد زیرساخت‌های لازم برای اردوهای مختلف، از به‌کارگیری متریان نوجوان و جوان به‌سوی مناسک تکراری جلوگیری می‌شود. این امر باعث شده است که الگوهای دینی در عمل یاد داده شوند (در کنار انتقال نظری آن‌ها). تربیت‌پذیری تکمیلی و تلفیقی همراه با نوعی تعلق و تجربه خاص نیز هست که با اتمام دوره‌های خاص می‌توانند از آن تجربیات بهره‌برداری کنند.

در نهایت، به عنوان نکته نهایی و شاید مهم‌ترین نکته باید گفت که ارتباطات گروهی در مسجد جامع صفا به سمت نوعی «ارتباطات آئینی» در حرکت است. با توجه به نکات بالا، آنچه در چارچوب رویکرد آئینی مسجد جامع صفا در حال رخ دادن است، این است که ارتباط، پیش از اینکه ابعاد انتقالی و مناسکی از بالا به پایین داشته باشد، واجد ابعاد آئینی خاص خود بر اساس موضوعات مدنظر است. در این وضعیت، «ارتباطات گروهی در مسجد جامع صفا» نه تنها به گسترش پیام‌های دینی و معارف اسلامی در بعد مکان معطوف نیست، بلکه مبتنی بر حفظ جامعه در بعد زمان و تحولات روز نیز هست.

ارتباط، نه عمل ابلاغ اطلاعات دینی از طریق مربی و سایر عوامل است، بلکه بازنمود باورهای مشترک همه ما در شرایط زمانی امروزی نیز هست. اگر الگوی اولیه ارتباط با دیدگاه انتقالی، گسترش پیام‌ها در واحد جغرافیایی به‌منظور مهار کردن است، الگوی آئینی ارتباط گروهی مسجد جامع صفا، مراسم مقدسی و معنابخشی است که با عبور از فردیت و عقلانیت ابزاری، همه را با صمیمیت و اشتراک دینی و نیازهای روحی و معنوی گرد هم می‌آورد. در اینجا بر انتقال خطی پیام‌ها تأکید نمی‌شود و ارتباطات گروهی بیانگر نوعی تلاش همه‌جانبه گروه‌ها در جهت انتقال معنا بر محورهایی همچون «تقسیم کردن»، «مشارکت»، «اتحاد»، «رفاقت» و «اعتقاد مشترک داشتن» است، زیرا تأکید بر ارضای درونی ظرفیت ارتباط است و نه ابزاری برای اهداف خاص یک فرد یا گروه خاص.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع و مأخذ

- آثاری، حامد (۱۳۹۲). مشخصه‌های ارتباطات گروهی در ایران‌داک وصال شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، گرایش معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات.
- بشیر، حسن و ابراهیم خرم‌نژاد (۱۴۰۱). بازنگری مدل‌های ارتباطی مالتزکه و رایلی و ارائه مدل ارتباطی بین فرهنگی بر مبنای بدیهیات فرهنگی، راهبرد فرهنگ، ۱۵ (۵۷)، ۷-۳۴.
- بهزادی، سجاد و سمانه جلیلی صدرآباد (۱۳۹۹). جایگاه مساجد در میزان تعاملات اجتماعی میان ساکنان محله‌های شهری (نمونه مورد مطالعه: محله شهشهان اصفهان)، پژوهش‌های معماری اسلامی، ۸ (۴)، ۸۵-۱۰۰.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، مترجم: تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- چنانی، چاسم (۱۴۰۲). بررسی عوامل مؤثر بر کارگروهی و پویایی گروه در سازمان. همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران. دوره پانزدهم، تهران، ایران. ۴۱۳۵-۴۱۴۳.
- طالبی، محمدرسول (۱۳۹۳). ارتباطات گروهی و فرهنگ بسیجی: طرح صالحین در پایگاه‌های بسیج مساجد شهر تهران، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع).
- فرخی، میثم (۱۴۰۲). واکاوی سیاستگذاری فرهنگی - ارتباطی مسجد در دهه سوم انقلاب اسلامی (۱۳۷۹-۱۳۸۹): تحلیل اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات فقه و حقوق رسانه، ۵ (۱)، ۱۱۹-۱۴۷.
- فرخی، میثم و فاطمه خلیجی (۱۴۰۰). کارکردشناسی فرهنگی - ارتباطی مساجد دانشگاهی؛ مورد مطالعه مساجد دانشگاه‌های تهران. تربیت مدرس و شریف، پاسداری فرهنگی/انقلاب اسلامی دانشکده علوم انسانی اسلامی و قدرت نرم دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) ۱۱ (۲۴)، ۱۵۵-۱۹۰.
- قانع، احمدعلی؛ فرخی، میثم و سینا عصارنژاد دزفولی (۱۴۰۱). ارزیابی طرح تربیتی حلقه‌های صالحین؛ مورد مطالعه شهرستان دزفول. دین و ارتباطات، ۲۹ (۱)، ۱۳۳-۱۷۱.
- طفعلی‌زاده، محمدحسین (۱۳۹۳). مسجد و ارتباطات گروهی با نوجوانان: مورد بررسی: چهار مسجد موفق شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، گرایش معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات.
- سلیمی، مهتاب و نازنین حاج محمدعلی (۱۴۰۰). جایگاه گروه و پویایی‌های گروهی در بهبود عملکرد سازمان، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۴ (۲۴): ۳۳۷-۲۵۴.
- میرسلیمی، مهسا؛ عمرانی‌پور، علی و خوشبخت بهرمانی (۱۴۰۰). مطالعه روابط فضایی اجتماعی در الگوی مساجد چهارایوانی ایران (مطالعه موردی: مساجد جامع اصفهان، اردستان، قزوین و زواره). اندیشه معماری، ۹ (۹)، ۱۹-۳۹.

محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۶۹). ارتباط شناسی، تهران: انتشارات سروش.

Asari, H. (2013). Features of group communication at the Shiraz Cultural Center of Rahpoyan Vesal.

Master's thesis. Imam Sadiq University, Faculty of Social Communication Sciences, Islamic Studies and Culture and Communications Orientation. **[In Persian]**

Bashir, H., khorramnezhad, E. (2023). Reviewing Maltzke and Riley's communication models and presenting an intercultural communication model based on cultural axioms, No. 57, pp. 34-7. **[In Persian]**

Behzadi, S., Jalili sadr abad, S. (2020). The position of mosques in the amount of social interactions among residents of urban neighborhoods (case study: Shahshahan neighborhood of Isfahan). Islamic Architecture Research, No. 29, Year 8: <http://jria.iust.ac.ir/article-1-1395-fa.html>. **[In Persian]**

Chenani, Ch. (2023). Study of factors affecting teamwork and group dynamics in the organization. National Conference on Management and Humanities Research in Iran. 15th Session, Tehran, Iran. <https://sid.ir/paper/1086100/fa> **[In Persian]**

Farrokhi, M. (2023). Analysis of Mosque Cultural-Communication Policymaking in the Third Decade of the Islamic Revolution (2000-2010): Analysis of Upstream Documents of the Islamic Republic of Iran. Studies in Jurisprudence and Media Law, Volume 5, Issue 1, pp. 147-119. <http://journal.refah.ac.ir/article-1-62-fa.html> **[In Persian]**

Farrokhi, M., and Khalaji, F. (2021). Cultural-Communicative Functionalism of University Mosques; Case Study of Mosques of Tehran, Tarbiat Modares and Sharif Universities. Cultural Heritage of the Islamic Revolution, Faculty of Islamic Humanities and Soft Power, Imam Hussein (AS) University of Officers and Guards Training, Year 11, No. 24, pp. 155-190. <https://www.sid.ir/paper/1156755/fa> **[In Persian]**

Jenkins, Richard (2002). Social Identity, Translator: Touraj Yarahmadi, Tehran: Shiraz.

Ghane, A., and Farrokhi, M., Asarnejad Dezfuli, Sina. (2022). Evaluation of the educational plan of the circles of the righteous; Case study of Dezful city. Religion and Communications, Year 29, Issue 1, pp. 133-171. **[In Persian]**; 10.30497/re.2022.76185

Lotfalizadeh, M. (2014). Mosque and group communication with adolescents: Case study: Four successful mosques in Tehran. Master's thesis, Imam Sadeq University, Faculty of Social Communication Sciences, Islamic Education and Culture and Communications. **[In Persian]**

Mirsalami, Mahsa; Omranipour, Ali; Bahrami, Khoshbakht (2021) Study of social spatial relations in the pattern of four-aisled mosques in Iran (Case study: Isfahan, Ardestan, Qazvin and Zavareh mosques). Architectural Thought, Volume 5, Issue 9, pp. 19-39. 10.30479/at.2020.12166.1386. **[In Persian]**

Mohsenian-Rad, M1980) .), Communication, Tehran: Soroush Publications.

Putnam, R. D. (2000) Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. New York, N.Y.: Simon & Schuster.

Salimi, Mahtab, and Nazanin Haj Mohammad Ali. (2021). The position of the group and group dynamics in improving organizational performance. Psychological and Educational Studies, 4 (24): 337-254. <http://noo.rs/NtDAe> **[In Persian]**

Talebi, M. (2014). Group communication and Basiji culture: Salehin's project in Basiji bases of mosques in Tehran, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication of Imam Sadiq University. **[In Persian]**



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.